رمزگشایی از منظور رئیس کانون پرورش فکری درباره راه‌اندازی «دیزنی‌لند اسلامی»

کاریکاتور دیزنی در شهرک غرب؟

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را باید از مهم‌ترین مراکز جهت رشد و پرورش فکری و ذوقی کودکان و نوجوانان دانست. یکی از کلوگاه‌های استراتژیک نظام تربیتی کشور که می‌تواند با طراحی فعالیت‌های فرهنگی و هنری، نقش مهم و اثرگذاری در هدایت و شکوفایی استعداد دانش‌آموزان داشته باشد. کتابخانه‌هایش فعال باشد، جمعیت ۱۱ میلیونی دانش‌آموزی کشور، کانون را مدرسه دوم‌شان بدانند و برای آنها برنامه تعریف شود. نمی‌خواهیم در این گزارش به فعالیت‌های کانون بپردازیم اما صحبت‌هایی که حامد علامتی، مدیرعامل کانون پرورش فکری چند روز پیش درمورد ساخت دیزنی‌لند ایرانی- اسلامی انجام داد باعث شد تا به سراغ این موضوع برویم و در گزارشی به ماجرای ساخت این شهرجهانی کودک بپردازیم.

ماجرای ساخت دیزنی‌لند ایرانی چیست؟

حامد علامتی، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چند روز قبل در نشست خبری با اصحاب رسانه از اقدامات انجام شده برای ایجاد دیزنی‌لند ایرانی خبر داد و گفت: «ما به دنبال ایجاد شهر کودک هستیم و با توجه به ظرفیت و امکاناتی که داریم به دنبال ایجاد چیزی شبیه دیزنی‌لند هستیم و مهندسان هم تدابیری را اندیشیده‌اند. این هدف، مصوبه هیات‌مدیره و... را می‌خواهد که بخشی از آن صورت گرفته و قرار هم است اجرا شود شهر جهانی دنبال آن است. در مدت ۲ تا ۳ سال، شهر جهانی کودک را ایجاد خواهیم کرد که شامل آموزش، فرهنگ و بازارچه کودک است. ۸ ماه است که کار را آغاز کرده‌ایم و همه شرایط و ویژگی‌های آن متناسب با زیست‌بوم ایرانی اسلامی خواهد بود.» علامتی در گفتگوی شهرداری تهران در این پروژه خبر داده بود. برای اینکه بیشتر از این پروژه بدانیم، پیگیری‌هایی را انجام دادیم و به یک تفاهمنامه در سال ۱۴۰۱ رسیدیم که شهرداری و کانون با هم امضا کرده بودند و هدف از انعقاد این تفاهمنامه مشترک، شناسایی اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول (سرمایه‌ای) کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در راستای مولدسازی، ساماندهی، سرمایه‌گذاری خلق ارزش و افزایش درآمدزایی پایدار کانون بدون رشد نقدینگی و در راستای کاهش وابستگی به بودجه عمومی دولت و تامین بودجه غیرتورم‌زا عنوان شده است. همچنین در این تفاهمنامه هشت ماده‌ای، همکاری و مشارکت در ساخت و بهره‌برداری مجموعه‌های خدماتی (فرهنگی، هنری، آموزشی، تفریحی، فراغتی، تجاری و فضای سبز و باز) برای رشد و پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کمک به شکوفایی استعدادهای آنها براساس ارزش‌ها و نظام تعلیم و تربیت اسلامی و همچنین همکاری و مشارکت در تولید واحد مسکونی در اراضی متعلق به کانون در مناطق شهرداری تهران مورد توجه قرار گرفته است.

این شهر جهانی کودک، قرار است در یکی از زمین‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در غرب تهران و در ۳ طبقه ساخته شود. سیدمهدی هدایت، مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران در مورد ساخت این پروژه می‌گوید: «از چند دهه قبل حدود ۴٫۵ هکتار زمین در این بخش از شهر تهران بلااستفاده مانده بود و در چنین زمین وسیعی فقط ساختمان نیمه‌کاره‌ای به‌عنوان انبار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مورد استفاده قرار می‌گرفت و همچنین یک کانون زبان وجود داشت. با توجه به این موضوع شهرداری تهران تصمیم گرفت تا با همکاری کانون پرورش فکری کودکان در این زمین اولین شهر جهانی کودک در کشور را احداث کند. شهر جهانی کودک پروژه‌ای فراشهری است که دارای امکانات گم‌نظیر و بی‌نظیری بوده و خدمات ویژه‌ای به گروه سنی کودک و نوجوان ارائه می‌کند. مساحت اعیانی این زمین بالغ بر ۱۶ هزار مترمربع در ۴ طبقه است. دروافع این ساختمان در نیم هکتار باقی‌مانده از این زمین آن هم با هدف مولدسازی احداث خواهد شد. اصل طرح و پروژه‌ای که قرار است اجرا شود شهر جهانی کودک است. چند هزار متر از این زمین که قرار است به‌عنوان پروژه شهر جهانی کودک مورد استفاده قرار گیرد و پیش از این کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به صورت انتفاعی از آن استفاده می‌کرده است، با هدف مولدسازی و تامین هزینه‌های این کلان‌پروژه فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. درحقیقت اتفاق اصلی که قرار است در آنجا رقم بخورد پروژه بزرگ شهر جهانی کودک با معماری فاخر ایرانی- اسلامی است که در آنجا تمام خدمات مورد نیاز کودکان و نوجوانان با دو رویکرد اصلی باغ ایرانی و باغ بازی‌های اقوام ایجاد می‌شود. شهر جهانی کودک از بخش‌های مختلفی مثل شهر علم، شهر ایرانشناسی، شهر رباتیک، شهر مشاغل، شهر آب، شهر زمین، اقوام ایرانی، کتابفروشی، کتابخانه، سالن نمایش و... تشکیل شده است که در نوع خود مجموعه‌ای بی‌نظیر محسوب می‌شود.»

نکته مهم بعد از شنیدن این صحبت‌ها این است که الان نمونه‌های کوچکی از این مدل شهربازی را در تهران و دیگر شهرها داریم. طبیعی است که اگر اسمی از دیزنی‌لند را روی پروژه می‌گذاریم و می‌گوییم می‌خواهیم مانند آن را بسازیم باید ابتدا به فضای ساخت آن و گستردگی آن توجه کنیم، وگرنه در چند طبقه ساختن و عنوان شهر جهانی کودک یا دیزنی‌لند ایرانی اسلامی روی آن گذاشتن کار عجیبی است!

شخصیت‌های انیمیشینی‌مان و تولید محصول

فارغ از هر نگاهی که برای کمپانی دیزنی وجود دارد، باید یک موضوع را مشخص کنیم. ما وقتی از این صحبت می‌کنیم که می‌خواهیم، دیزنی‌لند ایرانی - اسلامی داشته باشیم، آیا تا به این فکر کرده‌ایم که چقدر شخصیت انیمیشنی داریم که بچه‌ها آنها را می‌شناسند. اگر نگاهی به دیزنی‌لند داشته باشیم می‌بینیم که این مجموعه براساس شخصیت‌های کمپانی دیزنی ساخته شده است. زمانی که خبر اعلام حامد علامتی برای ساخت دیزنی‌لند ایرانی- اسلامی پخش شد، محمد سرشار نویسنده کودک و نوجوان در واکنش به این خبر در کانال شخصی‌اش نوشت: «مدیرعامل کانون پرورش فکری گفته می‌خواهد در کمتر از ۳ سال، پردیس جهانی کودک را شبیه دیزنی‌لند بسازد! به این کاری ندارم که مگر ما چقدر جهان‌های انیمیشنی داریم که بتوانیم «تهیارک» بسازیم. فقط ۷ سال طول کشید تا دیزنی با آن تجربه، در چین با آن امکانات، «دیزنی‌لند شانگهای» را بسازد!» بارها در این صفحه گفتیم که کودکان و نوجوانان ما احتیاج به کاراکترسازی در حوزه انیمیشن دارند، باید برایشان این شخصیت‌ها را بسازیم. البته موضوع دیگر بعد از کاراکترسازی این است که به تبلیغات دیگر که باعث می‌شود علاقه آنها به «سمت این کاراکترها ایجاد شود، نیاز داریم. در دنیا به این کار «مرچندایزینگ» یا بازاریه‌ذاری می‌گویند. صنعت انیمیشن ما به استراتژی‌هایی در بازار نیاز دارد تا پاسخ‌های مطلوبی را از بازار هدف خود تولید و بعد هم به کسب سود بپردازد. از این‌رو تمام مفاهیم مربوط به بازاریابی و استراتژی بازاریابی برای محصولات این صنعت معنا می‌یابد، تا به کسب سود برسند.

همه اینها مقدمه‌ای است برای اینکه کاراکترهای انیمیشنی ما به دست مخاطبان اصلی‌اش برسد و برای آنها آنقدر ارزشمند شود که از همه محصولاتی که در کنار این انیمیشن‌ها تولید می‌شوند، استفاده کند و بعد از همه اینها برسیم به ساخت دیزنی‌لند ایرانی!

دیزنی همان رویای آمریکایی است

در میانه دهه ۳۰ و ۴۰ میلادی، والت دیزنی پس از بازدید از پارک‌های تفریحی مختلف با دخترانش به نخستین ایده ساخت دیزنی‌لند رسید. او در ابتدا در نظر داشت تا یک مکان تفریحی در مجاورت استودیوهای خود در برینک کالیفرنیا بسازد اما خیلی زود متوجه شد مکان پیشنهادی بسیار کوچک است. پس از تحقیقات مختلفی والت دیزنی سایتی در نزدیکی آناهیم در سال ۱۹۵۳ را خریداری کرده و ساخت‌وساز پارک در سال ۱۹۵۴ آغاز شد.

«دیزنی‌لند شادترین مکان روی زمین است.» این جمله شعار معروف‌ترین شهربازی جهان است که به گفته این کمپانی، تمامی افراد از پیر و جوان و کودک آرزوی گذراندن یک روز در محیط آن را دارند. دنیای بزرگ و کارتونی دیزنی‌لند طوری طراحی شده است که برای تمامی سنین جذاب بوده و تصویری از زیبایی دنیای کودکی را برای همه نمایش می‌دهد.

دیزنی‌لند مکانی برای تفریح و زندگی کردن در کنار شخصیت‌های معروف کارتون‌های دیزنی است که به گفته این مکان محدوده سنی خاصی برای آن تعیین کرد و از پیر تا جوان و کودک همگی شیفته فضای منحصربه‌فرد دیزنی‌لند هستند. این پارک مجموعه‌ای از سرزمین‌های مختلف با موضوعات و نام‌های متفاوت است که در هر کدام دیزنی شما را به سفری به سوی هیجان و شادی دعوت می‌کند.

دریکی از قسمت‌های یادگست رادیو مضمون به این موضوع پرداختیم که داستان شکل‌گیری کمپانی دیزنی از کجا شکل گرفت؟ دیزنی همان رویای آمریکایی است و گفتیم: «به‌زودی سینما داشت رنگی می‌شد و فیلم‌ها ناطق می‌شدند. رویای آمریکایی داشت متولد می‌شد و توی ۱۹۲۳، وقتی والت توی هالیوود بود، از نیویورک خبر رسید که به کمپانی برای خریدن حقوق یکی از کارتون‌های والت به اسم «کمدی‌های آلیس» مشتاق شده. به توزیع کننده به نام خانم مارگارت وینکلر واسه خرید هر حلقه مبلغ ۱۵۰۰ دلار پیشنهاد داد و با این پیشنهادش باعث تاسیس یک کمپانی شد به نام برادران دیزنی؛ با مدیریت روی و والت. داستان رویای آمریکایی از اینجا شروع میشه و سال ۱۹۲۳ به همین دلیل مهمه؛ تاسیس کمپانی دیزنی.» آنها از شکل‌گیری شخصیت‌ها تا حتی ساختن دیزنی‌لند یک رویایی را برای مخاطبان شان متصور بودند. رویایی که همه چیز را به شانس گره می‌زند، همیشه شاهزاده‌ای با اسب سفید از راه می‌رسه یا فرشته‌ای با چوبه دستی جادویی. آمریکایی که با جنگ جهانی دوم ناگهان و به‌طور تصادفی و معجزه‌آسا به ثروت رسیده بود، توی شرایطی بود که این چیزا رو باور می‌کرد. رویای آمریکایی همین بود؛ به رویای کازینویی که غیرمولد بود و به کار و کوشش و خلاقیت تشویق نمی‌کرد.

آماری از وضعیت فعلی کانون پرورشی

زمانی که زمزمه تشکیل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پیچید، هدفش را ساختن جایی برای بچه‌ها عنوان کردند که بتواند آنها را تشویق به کتابخانی کند، در پاییز ۱۳۴۴ چند تن از فرهنگیان و هنرمندان به دعوت دولت وقت گرد هم آمدند تا مقدمات تاسیس کتابخانه کودکان و تهیه مواد خواندنی آنان را فراهم سازند. تا قبل از آن پدیده‌ای به نام «کتابخانه کودک» وجود نداشت و شاید همین امر انگیزه اصلی بنیانگذاران کانون را تشکیل می‌داد. به‌هرحال تصمیم‌ها گرفته و بنای یک ساختمان مجهز در پارک لاله آغاز شد. در فاصله ساختن و اتمام آن، با بررسی‌هایی که انجام شد معلوم شد که یک کتابخانه هیچ‌گاه نخواهد توانست به‌تمامی کودکان‌ونوجوانان تهران امکان استفاده بدهد. درنتیجه فکر ایجاد کتابخانه‌های دیگر به‌وجود آمد؛ کتابخانه‌هایی که باید به‌طور عمده در نواحی جنوب شهر ایجاد شود و برای کودکان آن نواحی خدمات ارائه کند.

حالا در سال ۱۴۰۲ حدود ۵۸ سال از آن روزها می‌گذرد و شاید الان کانون یا کانونی که ما می‌شناختیم و روزهای زیادی از کودکی‌مان را در آنجا گذراندیم متفاوت باشد، بیشتر این تفاوت هم به نسل‌های جدید و علاقه‌مندی‌های آنان برمی‌گردد. ولی مطمئنا از یک نهاد فرهنگی باسابقه مانند کانون انتظار می‌رود که فعالیتش را متناسب با نیاز روز بچه‌ها برنامه‌ریزی کند.

با توجه به اینکه کانون یکی از زیرمجموعه‌های وزارت آموزش‌وپرورش است می‌تواند با کمک گرفتن از این وزارتخانه دانش‌آموزان را به برنامه‌هایی که برای این نسل جذابیت دارد، جذب کند. سال گذشته گزارشی درمورد عملکرد کانون نوشتیم و گفتیم به گفته بسیاری از مدیران کانون، عضویت در این مجموعه در سراسر کشور تا عدد پنج میلیون نفر اعلام می‌شود اما رقم‌های دیگر نشان از کاهش روند عضوگیری در کانون دارد. این رقم تا حدود ۱۵۰ هزار نفر در سراسر کشور است که به نسبت جمعیت دانش‌آموزی ۱۱ میلیون نفره بسیار کم است. البته حامد علامتی در نشست خبری‌ای که در ابتدای تابستان داشت از رشد اعضای کانون خبر داد و گفت: «اعضا و مخاطبان مستقیم کانون حدود نیم میلیون نفر و مخاطبان غیرمستقیم حدود ۲ میلیون نفر است.»

یکی از کارهای مهمی که کانون می‌تواند انجام بدهد، فعال کردن مراکزش در سراسر کشور است، در سال ۱۴۰۱ گفتیم مراکز کانون ۱۰۱۱ مرکز است که بین آنها مراکز غیرفعال زیادی وجود دارد. اما حامد علامتی در سال ۱۴۰۲ از فعالیت ۱۰۳۹ مرکز ثابت و سیار در ۳۱ استان و ۲۵۰ روستا خبر داد و گفت: «مساحت کتابخانه‌های ما در سراسر کشور ۴۰ هزار هکتار است و ۳ هزار عنوان کتاب در قالب ۹ میلیون کتاب در کتابخانه‌های کانون داریم.»

یکی از ایرادهایی که به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان وارد است، ساختار سازمانی نامناسب و عملکرد جزیره‌ای واحدهای زیرمجموعه است که حتما باید مورد توجه مدیران این مجموعه قرار بگیرد. کمبود مربی از ایرادهای دیگر این مجموعه است که باعث شده تا تعدادی از مراکز فرهنگی و هنری نیمه‌تعطیل شوند و فعالیت آن‌چنانی نداشته باشند. البته فرسودگی بسیاری از مراکز را هم باید دلیل دیگری بر تعطیل یا نیمه‌تعطیل بودن آنها دانست و حتما می‌توانند با استفاده از ظرفیت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور به سمت بازسازی و تجهیز مراکز کانون در سطح کشور بروند.

انتشارات کانون یکی دیگر از مراکز مهم این مجموعه است، چون بخش زیادی از فعالیت‌های کانون به کتاب‌ها و کتابخانه‌هایش است، اما در چند سال اخیر بیشتر تمرکز کانون بر تجدیدچاپ‌ها است درحالی‌که این مجموعه باید با توجه به تمرکزی بر حوزه کودک و نوجوان دارد به تولید کتاب با نویسنده‌هایی که در گذشته هم ارتباط زیادی با کانون داشتند، بپردازد.

توجه ویژه به نوجوانان نیز یکی دیگر از کارهایی است که باید بیش از این مورد توجه قرار بگیرد.

ادامه از صفحه ۱۲

شوخی می‌کنی آقای رئیس؟!

هومن جعفری
خبرنگار

خب نیاز به توضیح اضافه نیست. حتما خبر دارید که حامد علامتی، رئیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نشست خبری با اصحاب رسانه از اقدامات انجام‌شده برای ایجاد دیزنی‌لند ایرانی خبر داده و گفته: «ما به دنبال ایجاد شهر کودک هستیم و با توجه به ظرفیت و امکاناتی که داریم به دنبال ایجاد چیزی شبیه دیزنی‌لند هستیم و مهندسان هم تدابیری را اندیشیده‌اند. این هدف مصوبه هیات‌مدیره و... را می‌خواهد که بخشی از آن صورت گرفته و وزیر هم دنبال آن است. بین دو تا سه سال، شهر جهانی کودک را ایجاد خواهیم کرد که شامل آموزش، فرهنگ و بازارچه کودک است. هشت ماه است که کار را آغاز کرده‌ایم و همه شرایط و ویژگی‌های آن متناسب با زیست بوم ایرانی اسلامی خواهد بود.»

شاید شما هم در اینستاگرام آن کلیپ معروف را دیده‌اید که اولش پارک ژوراسیک خارج را نشان می‌دهد که دایناسورهای دیجیتالی آخرین مدل، با کیفیت اچ‌دی مشغول ترساندن مخاطبان پارک هستند و بعد هم تصویر کات‌خورده به یکی از پارک‌های تفریحی وطنی خودمان که در آن، دو کارگر شریف و زحمتکش و خوشحال درون لباس‌های عروسکی دو دایناسور مشغول رقصیدن و آواز خواندن هستند و ملت هم به دست زدن و تشویق برگرم شده‌اند! احتمالا شما هم مثل من، وقتی این جمله مربوط به دیزنی‌لند را از زبان حامد علامتی شنیدید، همین تصویر به ذهن‌تان آمد. اما چرا این اظهارنظر از سوی یک مدیر فرهنگی مضحک به نظر می‌رسد که با واکنش‌هایی همراه شده است.

۱ دیزنی‌لند یکی از ابزارها و جاذبه‌های فرهنگی آمریکا خاصه یکی از ستون‌های رویای آمریکایی است. وظیفه‌اش این است که تصویری جادویی را برای کودکان خلق و آنها را وارد دنیای افسانه‌های پریانی مبتنی‌بر فرهنگ غربی کند. اگر جناب علامتی، مسئول فرهنگی کشوری نبودند که هدفش مقابله با نفوذ فرهنگی متخاصم آمریکایی است، شاید این صحبت‌شان ایرادی نداشت ولی وقتی شما مسئول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستی، وظیفه‌ات جیز دیگری غیر از تبلیغ برای دیزنی‌لند و والت دیزنی است! آن هم با فرهنگ امروز حاکم بر آمریکا که از در و دیوار کارتون‌ها و برنامه‌های کودک و برنامه‌های تحصیلی‌شان، دیگر نه پیام‌های تحکیم خانواده که پیام‌های ال‌جی‌بی‌تی به بیرون فوران می‌کند!

۲ اگر قرار است یک مجتمع فرهنگی فروشگاهی با امکانات تفریحی برای کودکان ساخته شود که دیگر نیازی به این همه بوق و کرنا نیست! داریم و می‌توانیم باز هم داشته باشیم. دیگر نیازی به شوآف نیست! منتها سوال اینجاست، جناب‌شان چقدر وقت گذاشته‌اند و روی این طرح کار کرده‌اند که به سرنوشت هزاران طرح مشابه دچار نشود! ایشان اقتصاد مجتمع‌های فرهنگی یا تفریحی کودکان را بررسی کرده‌اند؟ آماری دارند که چقدر قرار است هزینه کنند و امیدوارند این هزینه کلانی که به بیت‌المال تحمیل می‌شود، کی و از طریق کدام مشتریان داخلی پر شود؟ محصولاتی که قرار است اینجا فروخته شود چیست؟ دفترچه ۴۰ برگ کلاه قرمزی؟ مدادتراش با طرح پشه؟ کلاسور با طرح گاوی؟ دنیا مشغول تسخیر شدن توسط رنگ صورتی باربی است و موجش به ایران هم می‌رسد. انتظار دارید مخاطب نوجوان ایرانی که صبح تا شب با ماهواره بمباران می‌شود، در این مجتمع شما چه چیزی بخرد؟ برایش برنامه‌ای دارید؟

۳ سینمای کودک و محصولات فرهنگی مربوط به کودک در ایران تا زمانی که بومی باشد، عمدتا ورشکسته یا دارای سود اندک به نسبت محصولات داخلی مشابه است که از تصاویر محصولات غربی استفاده می‌کنند. فروش کالای مرتبط با محصولات ایرانی پایین است. همین حالا ده‌ها مجموعه فرهنگی مرتبط با دستگاه‌های مختلف مشغول فروش محصولات فرهنگی و لوازم‌التحریر به دانش‌آموزان با طرح‌ها و تصاویر مورد تایید داخلی هستند اما اینها خیلی فراگیر نمی‌شوند. طبیعی هم هست. میکی‌ماوس و پلنگ صورتی و بن‌تن و تن‌تن و دانلد داک و باربی چندین دهه است که به‌صورت کاملا حرفه‌ای در سراسر جهان درحال تبلیغ، ترویج و فروش هستند. نمی‌شود انتظار داشت که با عوض کردن عکس روی یک دفتر، ذائقه مخاطب تغییر کند. آیا آقای علامتی این چیزها را می‌دانند؟ برای تولید محصولات مناسب برای فروش در این دیزنی‌لند غیرقابل تصور، برنامه‌ای دارد؟ می‌دانند که اگر قصد دارد به جوان‌ها دو سه سال بعد محصولی را بفروشد باید آن محصول را همین حالا داشته باشد و چند سال رویش تبلیغ کند تا در ذهن مخاطب جا بیفتد؟ بعید می‌دانم!

چرا ایده «دیزنی‌لند ایرانی» مضحک است؟

سیده‌آزاده امامی
خبرنگار

هفته پیش در خبری خواندم که مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اظهار داشته بنا دارند ظرف دو سه سال «شهر جهانی کودک» را چیزی شبیه دیزنی‌لند ایجاد کنند، البته با «شرایط و ویژگی‌های زیست‌بوم ایرانی- اسلامی»!

در میان خیل جماعتی که به بازه زمانی بیان شده توسط آقای مدیر خرده و حتی سخره گرفتند که چین با آن‌همه دبدبه و کبکبه هفت سال زمان گذاشت تا پروژه‌ای شبیه دیزنی‌لند را به سرانجام برساند، شما چطور می‌خواهید دو سه‌ساله تمامش کنید، من اما در اندیشه این قیاس هولناک بودم که چگونه ممکن است مدیر مجموعه‌ای که به‌صراحت نامش متولی امر «پرورش فکری کودکان و نوجوانان» این سرزمین است، آن اندازه از نمادهای بیگانه و فلسفه وجودی آنها بی‌اطلاع باشد که الگو و رویایش برای ساخت به قول خودش شهر جهانی کودک در «القرای جهان اسلام» آن هم ذیل دولت انقلابی چیزی شبیه دیزنی‌لند باشد! این آقای مدیر اساسا می‌داند «دیزنی‌لند» چیست و به چه منظور ساخته شده؟ از موقوفه‌های هویتی آن خبر دارد؟ از کمپانی «والت دیزنی» که معمار و مالک این سرزمین است چیزی شنیده؟ هیچ می‌داند دیزنی‌لند را ساخته‌اند تا کوچک و بزرگ و پیر و جوان به هنگام حضور در آن و در سایه همجواری با شخصیت‌های کارتونی والت دیزنی فقط خوش بگذرانند و غرق در شادی و لذت باشند بی‌آنکه حواس‌شان به زمین و زمان باشد؟ و آیا ایشان می‌دانند این یعنی «غفلت»؟ هیچ می‌دانند ذات دیزنی‌لند «غفلت» و «فراموشی» است و غفلت، درون‌مایه تمدن غرب و مصداق اعلای آن یعنی «زندگی آمریکایی» است؟ هیچ می‌دانند پدیده‌های شاخص ینگه‌دنیا با تک‌تک سلول‌ها و با خشت‌خشت بنایشان «سبک زندگی آمریکایی» را فریاد می‌کنند؟ و دهها سوال مشابه دیگر...

اگر آقای مدیر به همه موارد فوق اذعان و اشراف دارند، پس الگوبرداری‌شان از دیزنی‌لند چه توجیهی دارد؟ اگر هم بی‌اطلاعند که فاجعه است! شاید دری در توجیه توصیف سوال برانگیزش متوسل به تصرهای شود که در ادامه آن را بیان داشته، یعنی گرچه مدنظرشان این بوده که چیزی شبیه دیزنی‌لند در ایران بسازند، اما با این شرط که ویژگی‌های آن متناسب با زیست‌بوم ایرانی- اسلامی باشد. این دیگر عذر بدتر از گناه است! یک پارادوکس مضحک از جنس تمام تناقض‌هایی که طی سال‌های متمادی به سبب ناآگاهی مسئولان بر این ملک و ملت تحمیل شده است؛ اگر شهر جهانی کودک مورد نظر ایشان بخواهد متناسب با مولفه‌های هویتی و تمدنی ما باشد که دیگر دیزنی‌لند نیست و اگر بناست دیزنی‌لند باشد که با این مولفه‌ها جمع نمی‌شود! ایشان یا کدام‌یک از مولفه‌های فرهنگ ایرانی- اسلامی می‌خواهد میهمانان شهر جهانی کودک را چنان غرق در عیش و عشرت کند که زمین و زمان از یادشان بروود؟ با کدام‌یک از مولفه‌های فرهنگ ایرانی- اسلامی می‌خواهد غفلت را به روح و ذهن کودک ایرانی تزریق کند؟ اگر چنین قصدی ندارد پس اشاره‌اش به دیزنی‌لند به‌مثابه الگو برای چنین مجموعه‌ای چه وجهی دارد؟ و اگر نمی‌داند ذات و ماهیت و فلسفه دیزنی‌لند چیست پس دلیل ذکر این نام چیست؟ آیا به قول معروف تنها برای کلاس گذاشتن است که بله، ما هم خبر داریم مجموعه‌ای تفریحی به نام دیزنی‌لند در آن سر دنیا وجود دارد و...؟! و آیا این اشاره بدون اطلاع از شاخصه‌های هویتی یک نماد و هن مسئولی در چنان جایگاهی نیست؟

ژان بودریار، فیلسوف پساساختارگرای معاصر در توصیف دیزنی‌لند می‌گوید: «دیزنی‌لند نمونه کامل انواع وانموده‌های پیچیده است... همه‌جا نمایی عینی از آمریکا ترسیم می‌شود، حتی در ریخت‌شناسی افراد و توده مردم. در اینجا کلیه ارزش‌ها به‌صورتی مینیاتوری و کارتونی و در حالتی مومیایی شده و توأم با آرامش ستایش می‌شوند. بر این اساس امکان تحلیل ایدئولوژیک دیزنی‌لند فراهم می‌آید: چکیده روش زندگی آمریکایی، مدیحه‌ای برای ارزش‌های آمریکایی، جاه‌طلبی آرمانی واقعیتی متناقض. بی‌شک چنین است. اما همه اینها چیز دیگری را پنهان می‌کنند و این طراحی «ایدئولوژیک» خود پوششی برای وانموده‌ای از نوع سوم است: دیزنی‌لند برای این به وجود آمده تا «واقعیت‌های کشور و این امر را پنهان سازد که آمریکای «واقعی» همان دیزنی‌لند است.»

حال با این اوصاف چگونه می‌توان دیزنی‌لندی ساخت که هم‌سو و هم‌بسته با مولفه‌های هویتی و فرهنگی ما باشد؟ این رویکرد ادامه همان درد دیرینه و معضل مزمنی است که متعاقب آشنایی ایرانیان با غرب مدرن و شیفتگی برخی از ایشان در برابر مظاهر تمدنی غرب بر ما عارض شد و متاسفانه حتی انقلاب اسلامی هم نتوانست آن را چاره کند؛ و آن این تصور بی‌اساس بود که می‌توان با افزودن پسوند «ایرانی» یا «اسلامی» به ساختارها، پدیده‌ها و مفاهیم ذاتا غربی، آنها را از آن حرکت کرد و تعارض ذاتی آنها را با شاخص‌های هویتی و فرهنگی خود مان زدود. غافل از آنکه نتیجه چنین نگاهی گرفتار شدن در دام تعارض‌های بی‌پایان فرهنگی و برآمدن نسلی فاقد هویت اصیل است که به هر نکته‌ای فرومی‌ریزد و به‌راحتی می‌تواند دستمایه سوءاستفاده‌ها واقع شود. ماحصل این خیال باطل بود که در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ برخی مدیران نا آگاه خارج رفته افاضه فرمودند می‌خواهند ایران را تبدیل به «ژاپن اسلامی» کنند! همان‌ها که سید شهیدان اهل قلم، نگاه التقاطی‌شان را بارها و بارها تخطئه کرد و خطاب به آنها گفت «پروستروییکای اسلامی وجود ندارد.» بلی! من هم خوب می‌دانم این مقاله را شهید در نقد فلان جمله بهمان مجله هنری نوشته بود، اما چنانکه خود آن بزرگوار هم تصریح می‌کند مساله «عدم امکان جمع میان مولفه‌های ذاتی انقلاب اسلامی با شاخص‌های تمدنی غرب است.» ضمن اینکه نباید از نظر دور داشت که مظاهر مادی و فیزیکی تمدن غرب در واقع عینیت یافته شاخصه‌های فکری و اندیشگانی آن تمدن هستند و بستگی وثیقی به درون‌مایه‌های آن تمدن دارند. چیزی که تذکر به آن جان‌مایه کلام آوینی است و همه تلاش او برحذر داشتن نخبگان از این خلط التقاطی بود که می‌توان محصولات دنیای غرب را با افزودن پسوند اسلامی به خدمت خود درآورد، حال چه این محصولات ناظر به حوزه فکر و فلسفه و فرهنگ باشند، چه مظاهر مادی و نمودهای فیزیکال آن. اما همان اندازه که ایده تبدیل ایران به ژاپن اسلامی مضحک و پارادوکسیال بود، رویای ایجاد دیزنی‌لند ایرانی نیز چنین است. اساسا صرف نام بردن از یک نماد خاص آمریکایی به‌مثابه الگو برای هر مکان و مجموعه‌ای برای کودکان در سرزمینی که اساس درگیری‌اش با آمریکا به‌عنوان رأس نظام سلطه، ناظر به اصول و آرمان‌ها و مبانی تمدنی است، نشان از ناآگاهی و بی‌اطلاعی مسئول مربوطه از این حقیقت دارد که نمادهای خاص غربی به‌ویژه آمریکایی تجسم تام و تمام رویای آمریکایی و سبک زندگی آمریکایی اند. مهم‌ترین وظیفه مجموعه ذیل مدیریت این مسئول تربیت و تجهیز کودکان و نوجوانان در برابر هجمه همه‌جانبه‌ای است که دنیای غرب به‌ویژه آمریکا علیه فرزندان این سرزمین تدارک دیده، و این میسر نیست مگر به‌واسطه اشراف متصدیان امر بر مولفه‌های خاص تمدنی فرهنگ مهاجم.

چارسو

تولید فیلم و سریال درباره ابن‌سینا و نظامی

محمد شالویی، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: «ازجمله برنامه‌های ما، ساخت فیلم برای مفاخری مثل ابن‌سینا، حکیم نظامی و چهره‌های دیگر است که در این زمینه اقداماتی را در سازمان سینمایی وزارت ارشاد، بنیاد فارابی و سیمافیلم آغاز کرده‌ایم تا به این مفاخر ازطریق فیلم و سریال‌ها پرداخته شود. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که شالویی از جانب آن سخن می‌گفت، در سال ۱۳۰۱ به همت جمعی از شخصیت‌های فرهنگی، با هدف حفظ آثار کهن ایرانی و معرفی آنها در تهران تشکیل شد و نام اولیه آن انجمن آثار ملی بود. بنای آرامگاه سعدی در سال ۱۳۳۱، برگزاری جشن هزاره ابن‌سینا و بنای آرامگاه جدید او در همدان، ساخت آرامگاه‌های نادرشاه افشار، حکیم عمر خیام، شیخ فریدالدین عطارنیشابوری، استاد کمال‌الملک، باباطاهر عریان، صائب تبریزی، ابوالحسن بیهقی، اوحدی مراغه‌ای و... درمجموع بیش از ۳۰ آرامگاه و بنای یادبود، ازجمله فعالیت‌های این انجمن در ۱۰۰ سال گذشته بوده است. درحالی که سال‌ها بود خبر خاصی از فعالیت این انجمن دیده یا شنیده نمی‌شد، محمد شالویی به‌عنوان رئیس آن از تلاش برای ساخت فیلم و سریال‌هایی با موضوع زندگی ابن‌سینا و نظامی می‌دهد. البته در مورد اینکه چنین ایده‌ای تا چه حد مراحل اجرایی را طی کرده، سخنی به‌میان نیامده است.

درخواست کمال تبریزی: بیایید با صدای بلند به ایرانیت خود افتخار کنیم

کمال تبریزی، دبیر نخستین جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی از همه هنرمندان و مردم خواست همراه این رویداد باشند تا جشنواره‌ای مستقل و متفاوت با فیلم‌هایی متفاوت درباره اقوام ایرانی و پیرامون یکپارچگی و اتحاد ملی محقق شود. او گفت: «ما باید توجه کافی به همه قومیت‌ها داشته باشیم و از این طریق مانع خطور اندیشه تجزیه سرزمین مادری و آب و خاک ایران عزیز در ذهن بیگانگان باشیم. همه به‌واسطه چنین رویدادی درباره به یکدیگر و به دیگران یادآوری می‌کنند که همه ما در وهله اول ایرانی هستیم و ملیت ایرانی مهم‌ترین شاخصه همبستگی ایرانیان است.» او در ادامه با خطاب قرار دادن همکاران سینمایی‌اش افزود: «از همه فیلمسازان و سینماگران و دوستان هنرمندم درخواست دارم تا با ما این رویداد همراه شوند تا بتوانیم همه اقوام ایرانی را درکنار هم ببینیم و همنشینی و همدلی میان آنان را بیش از پیش تقویت کنیم و با صدای بلند اعلام کنیم اگر از اقوام مختلفیم اما همه ایرانی هستیم و یکدل و یکصدا به ملیت و ایرانیت خود افتخار می‌کنیم. بنابراین اگر با مشکل یا ضایعه‌ای روبه‌رو شدیم یا در فضای اجتماعی به هر دلیل التهابی ایجاد شد، می‌توانیم کنار هم و با هم برای رفع آن چاره‌اندیشی کنیم. ملت ایران همواره درکنار هم بوده‌اند و مسائل و مشکلات یکدیگر را درک و در همنشینی با یکدیگر تاکید می‌کنند.»

ادامه در صفحه ۱۳

**سازمان ثبت